انباشت ظرفیت صنعتی، توازن بازارهای بین‌المللی را برهم می‌زند

مازاد تولید چین؛ دردسر تازه اقتصاد جهانی

نیلوفر ادیب‌نیا
دنیای اقتصاد

جهش کم‌سابقه ظرفیت صنعتی چین که روزگاری موتور محرک دگرگونی اقتصاد بین‌الملل بود، اکنون می‌تواند زمینه‌ساز بحرانی بزرگ در اقتصاد جهانی شود. به باور مایکل فرومن، اقتصاددان آمریکایی، ترکیب مازاد تجاری سرسام‌آور، ظرفیت مازاد صنعتی و تداوم اتکای پکن به الگوی صادرات‌محور، ساختاری ناپایدار و شکننده پدید آورده است. چالش بنیادین این است که بازارهای بین‌المللی دیگر توان و تقاضای کافی برای بلعیدن این حجم عظیم از تولیدات صنعتی چین را ندارند و در صورت رسیدن این عدم توازن به نقطه جوش، امواج بحران بی‌گمان فراتر از مرزهای چین گسترش خواهد یافت.

براساس گزارشی از فارن افرز، برای دهه‌ها، الگوی توسعه صادرات‌محور چین یک بازی برد-برد به شمار می‌رفت؛ مصرف‌کنندگان جهانی از کالاهای ارزان‌قیمت بهره‌مند می‌شدند، بنگاه‌های بین‌المللی به زنجیره‌های تامین کارآمد و کم‌هزینه دست می‌یافتند و خود چین نیز با تکیه بر تولید و جذب سرمایه، رشدهای خیره‌کننده را تجربه می‌کرد. اما این اقتصاد اکنون چنان ابعادی یافته که تداوم آن دست‌فرمان پیشین را ناممکن ساخته است.

رسیدن مازاد تجاری چین به مرز بی‌سابقه ۱.۲ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۵ نماد روشنی از این ناترازی است؛ رقمی تاریخی که نشان می‌دهد رشد تقاضای جهانی هرگز هم‌پای جهش صادراتی پکن نبوده و نیست. چین در حال حاضر حدود ۳۰ درصد از تولید صنعتی جهان را در اختیار دارد و پیش‌بینی می‌شود این سهم تا سال ۲۰۳۰ به ۴۵ درصد برسد. بخش اعظم این فربه‌شدن صنعتی، حاصل یارانه‌های دولتی و اعتبارات دستوری دولت‌های محلی بوده است؛ سیاست‌هایی که به گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، نقشی کلیدی در تصاحب بازارهای جهانی داشته‌اند، هرچند که در پی آن، نزدیک به ۳۰ درصد بنگاه‌های صنعتی چین اکنون در زیان عملیاتی به‌سر می‌برند. این سازوکار معیوب، چرخه‌ای مخرب پدید آورده که در چین به «نی‌جوان» یا رقابت فرسایشی درون چرخه‌ای شهرت دارد. در این چرخه، شرکت‌ها برای بقا و حفظ سهم بازار، بی‌توجه به سودآوری و حتی با پذیرش حاشیه‌سود منفی، به تولید و سرمایه‌گذاری بیشتر ادامه داده و قیمت‌ها را می‌شکنند. از سوی دیگر، دولت‌های محلی و بانک‌های دولتی به‌دلیل نگرانی از بحران بیکاری و کاهش درآمدهای مالیاتی، به تزریق اعتبار به این شرکت‌های زیان‌ده ادامه می‌دهند. نتیجه، پیدایش غول صنعتی مهارناپذیری است که حتی در شرایط رکود تقاضا نیز نمی‌تواند ترمز تولید خود را بکشد.

اگرچه پکن با طرح مفاهیمی چون مقابله با این رقابت‌های فرسایشی و تقویت مصرف داخلی به وجود معضل اذعان کرده، اما هنوز جراحی ساختاری لازم رخ نداده است، چرا که اقتصاد همچنان به‌شدت به سرمایه‌گذاری و تولید وابسته مانده و درآمدهای دولت‌های محلی نیز به زمین‌داری صنعتی و کارخانه‌ها گره خورده است. این وضعیت نشان می‌دهد مساله فقط حجم صادرات نیست، بلکه کیفیت رشد و تخصیص منابع نیز اهمیت دارد. هنگامی که سرمایه به بخش‌های کم‌بازده هدایت می‌شود، ظرفیت اسمی افزایش می‌یابد اما توان اقتصاد برای ایجاد تقاضای پایدار تقویت نمی‌شود. رقابت قیمتی نیز فشار بیشتری بر سودآوری بنگاه‌ها وارد می‌کند.

در این میان، شرکای تجاری چین دیگر تمایلی به جذب این حجم از تولیدات مازاد ندارند. آلمان بارزترین نمونه این دگرگونی است؛ کشوری که صادراتش به چین افت کرده و در مقابل، بازارش توسط محصولات چینی فتح شده است. صنعت خودروسازی آلمان بیشترین آسیب را دیده است؛ به‌طوری که بین سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۵، صادرات خودروهای آلمانی به چین ۶۶ درصد فروکش کرد، در حالی که صادرات خودرو از مبدا چین به بیش از دو برابر افزایش یافت و شوک‌های سنگینی را بر اشتغال و ساختار صنعتی آلمان تحمیل کرد.

اتحادیه اروپا نیز در واکنش، دیوارهای تعرفه‌ای و سیاست‌های حمایت‌گرایانه را بالا برده است؛ اقداماتی که از تعرفه‌گذاری بر خودروهای برقی آغاز شده و در حوزه‌هایی مانند مخابرات، پهپادها و مواد معدنی حیاتی در حال گسترش است.

ابعاد این مازاد عرضه به‌ویژه در بخش‌های پیشرو تکان‌دهنده است؛ ظرفیت سالانه تولید تجهیزات خورشیدی در چین به ۱۲۰۰ گیگاوات رسیده که تقریبا دو برابر کل ظرفیت نصب‌شده در سراسر جهان طی سال گذشته است. همچنین ظرفیت تولید سالانه خودروهای برقی و هیبریدی در این کشور ۲۵ میلیون دستگاه است، در حالی که تقاضای داخلی آن تنها به ۱۲ میلیون دستگاه می‌رسد و ظرفیت کل خودروسازی چین نیز با رقمی معادل ۵۵ میلیون دستگاه، بخش عمده‌ای از ظرفیت بازار ۹۰ میلیونی جهان را پر می‌کند؛ شکافی عظیم که نشان می‌دهد خریدار نهایی برای این حجم از تولید وجود ندارد.

پیامدهای جهانی

براساس این گزارش، چنانچه دسترسی به بازارهای خارجی محدود شود، پس‌لرزه‌های داخلی آن برای چین ویرانگر خواهد بود؛ شرکت‌ها ورشکست می‌شوند، بانک‌ها با انبوهی از مطالبات سوخت‌شده روبه‌رو خواهند شد و دولت‌های محلی با بحران کسری بودجه و بیکاری فزاینده دست‌وپنجه نرم خواهند کرد. پکن دیگر نمی‌تواند مانند بحران مالی ۲۰۰۸ با بسته‌های محرک زیرساختی اقتصاد را نجات دهد، زیرا مزیت‌های پیشین نظیر شهرنشینی شتابان و جمعیت جوان جای خود را به پیری جمعیت و کاهش نیروی کار داده‌اند.

سقوط رشد چین اقتصاد بین‌الملل را نیز متاثر خواهد کرد؛ کاهش تقاضای این کشور بهای نفت، مس، سنگ‌آهن و سایر کامودیتی‌ها را فرو خواهد ریخت و اقتصادهای متکی به صادرات مواد خام، از جمله استرالیا، برزیل و شیلی و همچنین کشورهای در حال توسعه را با خطر بحران بدهی مواجه خواهد ساخت.

جهان امروز به‌رغم استحکام نسبی بانک‌ها در مقایسه با سال ۲۰۰۸، به‌دلیل بدهی‌های سرسام‌آور دولتی، فضای مالی اندکی برای مهار بحران در اختیار دارد و فرسایش اعتماد میان ابرقدرت‌ها نیز مانع از همکاری‌های بین‌المللی می‌شود. افزون بر این، محدودیت‌های تجاری می‌تواند مسیر جهان را پیچیده‌تر کند. افزایش تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای، اگرچه ممکن است از برخی صنایع حمایت کند، اما هزینه تجارت را بالا می‌برد و زنجیره‌های تامین را تغییر می‌دهد. به همین دلیل، مساله چین می‌تواند بر سرمایه‌گذاری، تجارت و قیمت کالاها نیز اثر بگذارد.

از این رو، بهترین راهبرد، پیشگیری از بحران از طریق بازتنظیم تدریجی اقتصاد چین با تقویت مصرف خانوار، گسترش تامین اجتماعی، کاهش یارانه‌های صنعتی و افزایش ارزش یوآن در کنار یک هماهنگی چندجانبه جهانی شبیه به «پیمان پلازا» در سال ۱۹۸۵ است.

بزرگ‌ترین پارادوکس امروز آن است که موتور محرک و مقتدرترین نقطه قوت چین، یعنی ظرفیت تولید صنعتی آن، در حال تبدیل شدن به پاشنه آشیل اقتصاد این کشور و جهان است؛ ناترازی عمیقی که اگر به‌صورت مدبرانه اصلاح نشود، توسط نیروهای بی‌رحم بازار و با هزینه‌ای گزاف به جهان تحمیل خواهد شد.

نارضایتی از هزینه‌های زندگی، انتخابات را برای جمهوری‌خواهان دشوار می‌کند

اقتصاد آمریکا در آزمون انتخاباتی ترامپ

دنیای اقتصاد: نارضایتی از هزینه‌های زندگی، عملکرد اقتصادی دولت دونالد ترامپ را به یکی از نقاط ضعف جمهوری‌خواهان در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا تبدیل کرده است. نظرسنجی تازه فایننشال تایمز نشان می‌دهد بخش بزرگی از رای‌دهندگان آمریکایی معتقدند وضعیت مالی آنها از زمان بازگشت ترامپ به کاخ سفید بدتر شده است؛ درحالی که تنها چند ماه تا انتخابات نوامبر باقی مانده و اقتصاد همچنان مهم‌ترین دغدغه خانوارهاست. براساس نتایج این نظرسنجی، بیش از ۵۳ درصد رای‌دهندگان ثبت‌نام‌شده گفته‌اند وضعیت مالی آنها از ژانویه ۲۰۲۵ تاکنون بدتر شده است. این احساس در میان رای‌دهندگان مستقل شدیدتر بوده و نزدیک به ۵۷ درصد آنها خود را متضررتر از گذشته می‌دانند. حتی در میان جمهوری‌خواهان نیز حدود یک‌چهارم افراد چنین نظری دارند. این ارقام نشان می‌دهد فشار هزینه‌های زندگی فقط به مخالفان ترامپ محدود نشده و بخشی از پایگاه سیاسی او را نیز درگیر کرده است.

اعتماد رای‌دهندگان به دموکرات‌ها برای مدیریت تورم و هزینه‌های زندگی از اعتماد آنها به جمهوری‌خواهان بیشتر شده است. دموکرات‌ها همچنین در موضوع اشتغال و اقتصاد، که معمولا از نقاط قوت جمهوری‌خواهان محسوب می‌شود، برتری پیدا کرده‌اند. ۴۴ درصد رای‌دهندگان گفته‌اند در انتخابات مجلس نمایندگان احتمالا به نامزدهای دموکرات رای خواهند داد، درحالی که سهم جمهوری‌خواهان ۳۹ درصد بوده است. این فاصله پنج واحد درصدی می‌تواند برای حزبی که در آستانه انتخابات تلاش می‌کند کنترل مجلس را حفظ کند، اهمیت زیادی داشته باشد.

فشار بر بودجه خانوار

مشکل اصلی برای دولت ترامپ این است که کاهش تورم به معنای بازگشت قیمت‌ها به سطح گذشته نیست. حتی اگر سرعت افزایش قیمت‌ها کمتر شود، خانوارها همچنان با سطح بالاتری از هزینه‌های خوراک، انرژی، مسکن و خدمات روبه‌رو هستند. در چنین شرایطی، کاهش سرعت تورم لزوما احساس بهبود اقتصادی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا مصرف‌کننده هزینه امروز را با درآمد و قیمت‌هایی مقایسه می‌کند که پیش از دوره افزایش شدید قیمت‌ها وجود داشتند.

در ماه ژوئیه، تورم سالانه آمریکا به ۳.۴ درصد رسید. این نرخ از ماه‌های قبل اندکی پایین‌تر بود، اما همچنان بالاتر از سطح تورم هنگام تحویل دولت از جو بایدن به ترامپ قرار دارد. افت اخیر هزینه سوخت تا حدی از فشار قیمت‌ها کاسته است، اما نااطمینانی درباره انرژی و ادامه تنش‌های نظامی در خاورمیانه می‌تواند مسیر قیمت‌ها را دوباره تغییر دهد. برای خانوارها، اهمیت این موضوع در قیمت بنزین و هزینه حمل‌ونقل به‌سرعت نمایان می‌شود و از آنجا به قیمت بسیاری از کالاها منتقل می‌شود.

همزمان، درآمد واقعی خانوارها نیز تحت فشار قرار گرفته است. وقتی افزایش دستمزد از رشد قیمت‌ها عقب بماند، قدرت خرید کاهش می‌یابد؛ حتی اگر درآمد اسمی افراد بیشتر شده باشد. این وضعیت باعث می‌شود خانوارها خریدهای غیر ضروری را عقب بیندازند، از پس‌انداز خود بیشتر استفاده کنند یا برای تامین هزینه‌های جاری به اعتبار و وام متکی شوند. بنابراین، مساله اقتصاد آمریکا فقط نرخ تورم نیست، بلکه ترکیبی از قیمت‌های بالا، درآمد واقعی ضعیف و هزینه بالای تامین مالی است.

اعتماد اقتصادی در سراشیبی

این نظرسنجی نشان می‌دهد نزدیک به دو سوم رای‌دهندگان معتقدند اقتصاد آمریکا در مسیر نادرستی حرکت می‌کند و تنها یک‌چهارم آنها جهت حرکت اقتصاد را درست می‌دانند. این بدبینی در میان مستقل‌ها شدیدتر است و حتی بیش از یک‌سوم جمهوری‌خواهان نیز معتقدند وضعیت اقتصاد مطلوب نیست. در همین حال، ۵۵ درصد رای‌دهندگان از عملکرد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور ناراضی هستند. نرخ رضایت خالص او در میان جمهوری‌خواهان نیز نسبت به ماه قبل هشت واحد درصد کاهش یافته است.

ضعف محبوبیت ترامپ در حوزه اقتصاد اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا رای‌دهندگان معمولا تورم و هزینه زندگی را از مهم‌ترین مسائل تعیین‌کننده رای خود می‌دانند. رئیس‌جمهور آمریکا نیز بخش مهمی از بازگشت سیاسی خود را بر وعده کاهش هزینه‌ها، افزایش تولید داخلی، کاهش مالیات و ایجاد شغل بنا کرده بود. بنابراین، اگر خانوارها احساس کنند این وعده‌ها هنوز در زندگی روزمره آنها دیده نمی‌شود، دستاوردهای دیگر دولت ممکن است نتواند نارضایتی اقتصادی را جبران کند.

از سوی دیگر، اقتصاد آمریکا هنوز با بحران کامل فاصله دارد. بازار کار همچنان در مقایسه با بسیاری از دوره‌های رکودی وضعیت نسبتا مناسبی دارد و فعالیت اقتصادی به‌طور کامل متوقف نشده است. با این حال، نشانه‌های احتیاط مصرف‌کنندگان و فشار بر قدرت خرید می‌تواند رشد آینده را محدود کند. اگر خانوارها کمتر هزینه کنند، فروش شرکت‌ها کاهش می‌یابد و بنگاه‌ها نیز ممکن است سرمایه‌گذاری و استخدام را با احتیاط بیشتری دنبال کنند. در چنین شرایطی، اقتصاد می‌تواند وارد چرخه‌ای شود که در آن کاهش مصرف، رشد ضعیف‌تر و احتیاط بیشتر بنگاه‌ها را به دنبال داشته باشد.

انتخابات میان‌دوره‌ای معمولا به‌عنوان ارزیابی عملکرد رئیس‌جمهور مستقر شناخته می‌شود، حتی اگر نام او روی برگه رای نباشد. ترامپ در انتخابات نوامبر حضور ندارد، اما عملکرد اقتصادی دولتش در معرض قضاوت رای‌دهندگان قرار خواهد گرفت. جمهوری‌خواهان برای حفظ موقعیت خود در مجلس نمایندگان باید بتوانند نشان دهند سیاست‌های اقتصادی دولت به بهبود قدرت خرید خانوارها منجر شده است. دموکرات‌ها نیز تلاش خواهند کرد نارضایتی از قیمت‌ها و هزینه‌های زندگی را به رای اعتراضی تبدیل کنند.

افزون بر این، سیاست تجاری دولت نیز می‌تواند بر هزینه خانوارها اثر بگذارد. تعرفه‌های بالاتر واردات، در صورت انتقال هزینه به مصرف‌کننده، قیمت برخی کالاها و مواد اولیه را افزایش می‌دهد و حاشیه سود بنگاه‌ها را نیز تحت فشار قرار می‌دهد. از سوی دیگر، وعده بازگرداندن تولید به داخل کشور ممکن است در بلندمدت به ایجاد ظرفیت‌های تازه صنعتی کمک کند، اما ایجاد کارخانه و انتقال زنجیره تولید زمان‌بر است و اثر آن بر قیمت‌های روزمره به سرعت ظاهر نمی‌شود. همین فاصله زمانی میان وعده‌های اقتصادی و نتیجه ملموس آنها، برای دولت ترامپ اهمیت سیاسی دارد. رای‌دهنده در نهایت به هزینه‌ای نگاه می‌کند که هر هفته برای خرید، مسکن، انرژی و خدمات می‌پردازد، نه صرفا به برنامه‌ای که ممکن است در سال‌های آینده نتیجه دهد و بهبود قدرت خرید را به‌وضوح ببیند.

مهم‌ترین چالش ترامپ شاید نه یک شاخص اقتصادی منفرد، بلکه فاصله میان تصویر اقتصاد در آمارهای رسمی و تجربه روزمره خانوارها باشد. کاهش تورم، رشد اشتغال یا افزایش تولید زمانی برای رای‌دهنده اهمیت سیاسی پیدا می‌کند که در هزینه ماهانه، قدرت خرید و چشم‌انداز مالی خانواده نیز احساس شود. اگر این فاصله تا نوامبر باقی بماند، اقتصاد می‌تواند به یکی از مهم‌ترین عوامل تغییر موازنه سیاسی در آمریکا تبدیل شود.

گزارش روز

بورس اروپا؛ فرصتی که دیده نمی‌شود

بازار سهام اروپا که سال‌ها زیر سایه بورس آمریکا قرار داشت، در سال ۲۰۲۶ عملکردی قابل‌توجه داشته و توجه سرمایه‌گذاران را بیش از گذشته به خود جلب کرده است. شاخص استاکس ۶۰۰ که عملکرد ۶۰۰ شرکت بزرگ، متوسط و کوچک در ۱۷ کشور اروپایی را دنبال می‌کند، از ابتدای سال حدود ۱۰ درصد رشد کرده است. این رقم اندکی پایین‌تر از رشد ۱۳.۵ درصدی شاخص اصلی بازار آمریکا است، اما فاصله آن‌قدر زیاد نیست که بتوان بازار اروپا را کم‌رمق دانست.

بورس‌های اروپایی معمولا جذابیت کمتری برای سرمایه‌گذاران داشته‌اند. شرکت‌های بسیار بزرگ و پررشد در این قاره کمتر از آمریکا هستند و بازار سرمایه اروپا نیز عمق کمتری دارد. با این حال، افزایش هزینه‌های دولتی در ابتدای سال ۲۰۲۵ به بازار اروپا جان تازه‌ای داد و امسال نیز شاخص‌های این قاره عملکرد قابل‌توجهی نشان داده‌اند. همین عملکرد نشان می‌دهد تصویری که از بازار اروپا به‌عنوان بازاری کم‌تحرک و کم‌جاذبه وجود دارد، با واقعیت فاصله دارد.

براساس گزارش CNBC، بانک گلدمن ساکس تلاش کرده است برخی باورهای رایج درباره سرمایه‌گذاری در اروپا را زیر سوال ببرد. تحلیلگران این بانک می‌گویند عملکرد بازار اروپا بسیار بهتر از چیزی بوده که روایت عمومی نشان می‌دهد. بانک‌های اروپایی از سال ۲۰۲۲ تاکنون عملکرد بهتری از هفت شرکت بزرگ فناوری آمریکا داشته‌اند. همچنین از ابتدای سال ۲۰۲۵، شاخص استاکس ۶۰۰ با وجود شوک تعرفه‌ای و بحران عرضه انرژی، از شاخص بازار آمریکا عملکرد بهتری داشته است.

یکی از باورهای رایج این است که رقابت چین، بیشتر شرکت‌های اروپایی را تحت فشار قرار داده است. گلدمن ساکس معتقد است این برداشت بیش از اندازه کلی است. بخش‌های بزرگی از بازار اروپا شامل بانک‌ها، داروسازی، فناوری، انرژی، خدمات عمومی، مخابرات و صنایع هوافضا و دفاعی هستند و بسیاری از آنها وابستگی مستقیمی به کالاهای ارزان چینی ندارند. صنعت خودرو نیز تنها حدود یک درصد از ارزش کل بازار سهام اروپا را تشکیل می‌دهد.

ظرفیت رشد

البته صنعت خودرو اروپا شرایط دشواری دارد. کاهش تقاضا برای خودروهای برقی، از دست رفتن بخشی از بازار در برابر شرکت‌های چینی و افزایش هزینه تامین مالی، طی پنج سال گذشته فشار زیادی بر خودروسازان وارد کرده است. فروش خودرو نیز همچنان پایین‌تر از سطح پیش از همه‌گیری کرونا قرار دارد. شاخص سهام خودروسازان اروپایی از ابتدای سال ۲۰۲۶ حدود ۱۶ درصد کاهش یافته و فولکس‌واگن و استلانتیس از ضعیف‌ترین عملکردها برخوردار بوده‌اند. ارزش سهام این دو شرکت به‌ترتیب حدود ۲۷.۶ و ۵۱.۹ درصد افت کرده است.

با این حال، برخی کارشناسان معتقدند همین افت شدید می‌تواند در آینده به موقعیتی مناسب برای سرمایه‌گذاری تبدیل شود. بانک بی‌ان‌پی پاریبا بر این باور است که اروپا احتمالا بیشتر از آنکه سازنده فناوری هوش مصنوعی باشد، از گسترش آن سود خواهد برد و صنعت خودرو نیز می‌تواند از این روند بهره ببرد. به گفته یکی از مدیران سرمایه‌گذاری این بانک، قیمت سهام برخی بخش‌های اروپایی آن‌قدر پایین آمده که کمتر کسی به ظرفیت رشد آنها توجه می‌کند.

از سوی دیگر، بخش مهمی از اخبار مثبت درباره مصرف و اقتصاد آمریکا از قبل در قیمت سهام این کشور منعکس شده است. در مقابل، اقتصاد اروپا تازه نشانه‌هایی از بهبود را نشان می‌دهد. همین تفاوت می‌تواند در ادامه، توجه سرمایه‌گذاران را به بازارهای اروپایی جلب کند؛ به‌ویژه اگر رشد اقتصادی این قاره شتاب بیشتری بگیرد.

اروپا در برخی زمینه‌های مرتبط با هوش مصنوعی، از جمله توسعه مراکز داده و ساخت مدل‌های پیشرفته، از آمریکا عقب‌تر است. این عقب‌ماندگی می‌تواند در بلندمدت برای بهره‌وری و رشد اقتصادی مشکل‌ساز شود. با این حال، گلدمن ساکس معتقد است عقب‌ماندن اروپا از موج سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی لزوما نقطه ضعف مطلق نیست و حتی می‌تواند برای سرمایه‌گذارانی که نگران ریسک‌های این حوزه هستند، مزیتی نسبی ایجاد کند.

در شرایطی که بخش‌هایی از بازار آمریکا پس از رشدهای سنگین با قیمت‌های بالاتری روبه‌رو هستند، بازار اروپا می‌تواند از نظر ارزش‌گذاری جذاب‌تر باشد. به همین دلیل، اروپا شاید دیگر صرفا گزینه‌ای فرعی در برابر آمریکا نباشد و بتواند جایگاه مهم‌تری در تصمیم‌های سرمایه‌گذاران جهانی پیدا کند.

نوبت دوم

سازمان بنادر و دریانوردی

تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

اداره کل بنادر و دریانوردی استان سیستان و بلوچستان

شماره مناقصه: ۲۰۰۵۰۰۳۶۹۹۰۰۰۰۱۸

اداره کل بنادر و دریانوردی استان سیستان و بلوچستان- بندر چابهار در نظر دارد تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای خرید خدمات نقلیه را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ می‌باشد.

- مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: از تاریخ چاپ دومین آگهی در روزنامه کثیرالانتشار از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ لغایت تا ساعت ۱۸:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۳۱.
- مهلت زمانی ارسال پیشنهاد: از تاریخ اتمام دریافت اسناد روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ لغایت تا ساعت ۱۸:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۰.
- مهلت بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۰۸:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۱ در محل اتاق کنفرانس طبقه چهارم ساختمان اداری شماره یک بندر شهید بهشتی.

اصل ضمانت‌نامه بانکی یا فیش نقدی واریزی به‌حساب سپرده شرکت در مناقصه باید تحویل دبیرخانه بندر شهید بهشتی گردد.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گذار جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت‌ها
آدرس: چابهار - انتهای خیابان شهید ریگی - اداره کل بنادر و دریانوردی استان سیستان و بلوچستان بندر شهید بهشتی - ساختمان شماره یک.
تلفن: ۳۱۲۸۳۰۰۰-۰۵۴ فاکس: ۳۵۳۲۱۴۱۴-۰۵۴
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس: ۴۱۹۳۴-۰۲۱ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ - ۸۵۱۹۳۷۶۸ - ۰۲۱

شناسه آگهی: ۲۲۴۸۸۶۴
م. الف: ۴۱۵۳

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

موسسه اعتباری نور (در حال تصفیه)

موسسه اعتباری نور (در حال تصفیه) در نظر دارد نسبت به تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای (مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۰)، تأمین نیروی انسانی مورد نیاز خود جهت اداره مجتمع‌های تجاری و هتل‌های زیر مجموعه خود در سراسر کشور به متقاضیان واجد صلاحیت واگذار نماید.

متقاضیان واجد شرایط می‌توانند از روز دو شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ لغایت روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۸ با معرفی‌نامه کتبی از شرکت مربوطه به مدیریت گروه پشتیبانی موسسه مستقر درنشانی ذیل مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام و پیشنهاد خود را حداکثر تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۷ به موسسه اعتباری نور (در حال تصفیه)، به نشانی تهران، میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، نبش کوچه ۲۹، پلاک ۱۴، کدپستی ۱۵۱۶۶۱۴۸۱۳، طبقه سوم، مدیریت گروه پشتیبانی درقبال اخذ رسید تحویل نمایند.

شایان ذکر است هزینه خرید اسناد مبلغ ۵ میلیون ریال ومبلغ تضمین فرآیند ارجاع کار ۱۲۶ میلیارد ریال می‌باشد.